

# صدائے سکوت

پروہش ماڈرنزم عارفان ایران و مسلمان

مقالہ از: حامد الکمار

ویلیام جیٹیک

ٹوزف فان اس

گرہارد بورینگ

راجہ سیوری

شمس زاد بشیر

نوراحمد

ایک آئرن

ترجمہ و پروہش

جمشید جلالہ شیجانی







[www.molapub.com](http://www.molapub.com)



[molapub](https://www.instagram.com/molapub)



<https://t.me/molapub>

---

# مسکون

پروہش ہاتھ زینہ عارفان ایرا نے مسلمان

مقالا تراز: حلد الکار

ویلیام جیتیک

روزف فان اس

گرہارڈ بورینگ

راجر سیوری

شہزاد بشیر

نوراحمد

اریک آبرن

ترجمہ و پروہش

جمشید جلالہ شیجانی



انشارات مولی

سروش‌نامه: جلالی شیجانی، جمشید، ۱۳۵۳-

عنوان و نام پدیدآور: صدای سکوت: ترجمه و پژوهش‌هایی در زمینه عارفان ایرانی و مسلمان/ جمشید جلالی-شیجانی.

مشخصات نشر: تهران: مولی، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: چهارده، (۲۱۸)ص.

شابک: 978-600-339-190-1

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۱۴]-۱۲۰۵ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: ترجمه و پژوهش‌هایی در زمینه عارفان ایرانی و مسلمان.

موضوع: عارفان — ایران

Mystics — Iran

عارفان — ایران — سرگشت‌نامه

Mystics — Iran -- Biography

رده بندی کنگره: ۲۷۸BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷۸۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۸۸۹۶۰۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب-چهارراه ابوریحان-شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳-نمابر: ۶۶۴۰۰۰۷۹

وب سایت: [www.molapub.ir](http://www.molapub.ir) • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل: [molapub@yahoo.com](mailto:molapub@yahoo.com)

صدای سکوت • پژوهش‌هایی در زمینه عارفان ایرانی و مسلمان

مقالاتی از: حامد الگار، ویلیام چیتیک، ژوزف فان‌اس، گرهارد بورینگ، راجر سیوری، شهرزاد بشیر، نور احمد، اریک آزرین

ترجمه و پژوهش: جمشید جلالی شیجانی، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهرری

چاپ اول: ۱۴۰۲=۱۴۴۵ • ۲۰۰ نسخه • ۳۷۹/۱  
۴۰۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۱۹۰-۱ ISBN: 978-600-339-190-1

حروفچینی: دریاچه کتاب • طرح جلد: سلمان مفید

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



## فهرست مطالب

|     |                                                                |
|-----|----------------------------------------------------------------|
| ۷   | دیباچه                                                         |
| ۱   | نجم الدین کبری: حامدالگار                                      |
| ۸   | بهاء الدین محمد ولد: حامدالگار                                 |
| ۱۴  | علاء الدوله سمنانی: ژوزف فان اس                                |
| ۱۹  | آثار                                                           |
| ۲۵  | علی بن شهاب الدین بن محمد همدانی: گرهارد بورینگ                |
| ۳۳  | قاسم انوار: راجر مروین سیوری                                   |
| ۳۷  | شاه قاسم انوار: قاسم جلالی                                     |
| ۴۱  | آثار                                                           |
| ۴۵  | سید حیدر آملی: ژوزف فان اس                                     |
| ۵۱  | سید محمد نوربخش قهستانی                                        |
| ۶۴  | مقدمه بر تصحیح انتقادی رساله الهدی سید محمد نوربخش: شهزاد بشیر |
| ۶۶  | محمد نوربخش (۱۳۹۲/۷۹۵-۱۴۶۴/۸۶۹)                                |
| ۶۸  | رساله الهدی: مباحث اساسی و خلاصه مضامین                        |
| ۶۹  | مضامین تاریخی                                                  |
| ۷۱  | توجیه مهدویت                                                   |
| ۷۵  | نعمت اللهیه: حامد الگار                                        |
| ۷۵  | مقدمه                                                          |
| ۷۷  | بنیان گذار طریقه و پیشرفت آن                                   |
| ۸۹  | نوربخشیه: حامد الگار                                           |
| ۹۸  | جامی و ابن عربی، خاتم الشعرا و خاتم الأولیا: حامد الگار        |
| ۱۲۸ | مفهوم زمان از نظر ابن عربی: گرهارد بورینگ                      |
| ۱۲۸ | ۱. ابن عربی و نوشته هایش در مورد زمان                          |
| ۱۳۳ | ۲. جهان شناسی زمان                                             |
| ۱۳۵ | ۳. اتمیسم زمان                                                 |
| ۱۳۷ | ۴. ماهیت پویای وقت خدا                                         |
| ۱۳۹ | ۵. ماهیت نسبی زمان                                             |
| ۱۴۳ | ۶. ماهیت متقابل زمان                                           |
| ۱۴۵ | ۷. نتیجه                                                       |
| ۱۴۷ | صدای سکوت: ویلیام چیتیک                                        |
| ۱۵۹ | فخرالدین علی صفی: جمشید جلالی                                  |
| ۱۶۲ | آثار                                                           |

## شش / صدای سکوت

|     |                                             |
|-----|---------------------------------------------|
| ۱۶۶ | محمد امین کردی: جمشید جلالی                 |
| ۱۶۹ | ماء العینین قلمی: جمشید جلالی               |
| ۱۷۶ | ژوستین شهید: اریک آزرین                     |
| ۱۷۷ | ژوستین و عشق به حقیقت                       |
| ۱۷۸ | حقیقت                                       |
| ۱۷۹ | نبوت                                        |
| ۱۸۷ | صالح دَرْت: نور احمد                        |
| ۱۹۲ | تعامل زبانِ عرفان و زبانِ قرآن: جمشید جلالی |
| ۱۹۴ | زبانِ عرفان و ادلهٔ بیان‌ناپذیری            |
| ۱۹۷ | ارتباط زبانِ عرفان و زبانِ قرآن             |
| ۱۹۹ | شیوه‌های عارفان برای بیان زبانِ عرفان       |
| ۲۰۷ | فهرست اشخاص                                 |
| ۲۱۵ | فهرست کتابها                                |
| ۲۱۹ | فهرست مکان‌ها                               |
| ۲۲۱ | فهرست فرقه‌ها                               |

پیشکش به

استاد محمدرضا شفیعی کدکنی

## دیباچه

«بسم الله الرحمن الرحيم منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون برمی آید مفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکری واجب»

(گلستان سعدی)

مطالعاتی که پژوهشگران غربی در زمینه عرفان و عارفان ایرانی مسلمان از گذشته‌ای نه‌چندان دور تا به اکنون انجام داده‌اند بی‌شمار و دارای ارزش فرهنگی است. «از آغاز برخورد و تماس اروپاییان با افکار و اندیشه‌های صوفیانه چندین قرن می‌گذرد اولین چهره عرفانی که در ادبیات اروپایی شناخته شد رابعه عدویه، عارفه قرن دوم هجری بود که افسانه او را ژوئن ویل،<sup>۱</sup> صدراعظم لوئی نهم در اواخر قرن سیزدهم به اروپا برد».<sup>۲</sup>

بذر ایران‌شناسی در اروپا را نخست جهانگردانی افشاندند که صدها سال پیش، در شاهراه بازرگانی شمال آسیا سفر کردند و دیدن آثار بازمانده از تمدن‌های بزرگ و دیرینه، آن‌ها را به کنجکاوی واداشته بود. خبرهایی که آن‌ها به مغرب زمین بردند، پژوهندگانی را به سراغ فرهنگ مشرق زمین فرستاد. مطالعات ایران‌شناسی در اروپا، نزدیک به دویست و پنجاه سال سابقه دارد.

1. join ville

۲. فرانکلین دین لوئیس، مولانا دیروز تا امروز، شرق تا غرب...، ترجمه حسن لاهوتی،

آشنایی پژوهندگان اروپایی، پیش از توجه به مباحث تصوف و عرفان، آشنایی مقدماتی با زبان‌ها و آداب مذهبی و چگونگی زندگی مردم مشرق‌زمین بوده است. در نیمه دوم قرن هجدهم، سیرویلیام جونز (۱۷۴۶-۱۷۹۴) که در جوانی زبان‌های فارسی و عربی را آموخته بود، از سوی دولت انگلیس مسئول امور قضایی در حکومت هندوستان شد، و در کنار وظایف دولتی خود به آموختن زبان سنسکریت و مطالعه در زبان‌ها و فرهنگ مشرق‌زمین پرداخت. با وجودی که ویلیام جونز به‌طور مستقیم به تصوف و عرفان یا ادب صوفیانه ایران نپرداخت؛ اما به‌عنوان پایه‌گذار و آغازگر، راه‌گشای نسل‌های آینده پژوهندگان اروپایی گردید.

از اواخر قرن هجدهم اروپای غربی نخست از طریق نمایندگان سیاسی خود که چند سالی در کشورهای آسیایی می‌ماندند، با رسم و راه سالکان تصوف و عرفان، و با آثار گران‌سنگی چون مثنوی و دیوان شمس مولانا آشنا شد و شاید پیش از این آشنایی، سماع مولویان و رقص درویشان چرخان<sup>۱</sup> به چشم اروپاییان خوش آمده بود. یک نماینده سیاسی فرانسه به نام ژ. دوآلن بورگ<sup>۲</sup> که سالیانی در استانبول مانده بود، شش سال تمام به ترجمه مثنوی مولانا جلال‌الدین پرداخت اما فرصت نشر آن ترجمه را نیافت.

در نیمه اول قرن نوزدهم توجه اروپاییان به فرهنگ شرق گسترش یافت و در قرن بیستم دانش بیشتر و ذهن هنرشناس شماری از پژوهندگان اروپایی آن‌ها را به ظرافت‌های هنرمندانه، خاصه در شعر صوفیانه فارسی متوجه ساخت. در این میان کسانی که خود ذوق شاعری داشتند، گاه طبع خود را در پیروی از سبک سخن مولانا یا حافظ نیز آزمودند. یک اتریشی به نام ژوزف فن‌هامر - پورگشتال<sup>۳</sup> در نیمه اول قرن نوزدهم گزیده مثنوی را به زبان آلمانی ترجمه کرد. پس از او فردریش روکرت<sup>۴</sup> (۱۷۸۸-۱۸۶۶) با دانش بیشتر و با قریحه شاعری با مولانا روبه‌رو شد و نخست دفتری از غزل‌های دیوان شمس مولانا را با ترجمه‌ای ادیبانه و استادانه عرضه کرد، و بعد شماری از غزل‌ها را به شعر آلمانی درآورد با

1. The Whirling Dervishes'

2. J.de. Wallenbourg

3. Joseph von Hammer- Purgestall

4. Ruckert

این روش که ساختار کلام را نیز به شیوه مولانا نزدیک ساخته بود. کار او در ادب آلمانی یک آفرینش تازه به شمار می‌آمد و ترجمه منظوم او بسیاری از ادیبان آن سرزمین را با مولانا آشنا کرد. گئورگ روزن<sup>۱</sup> (۱۸۲۰-۱۸۹۱) هم دفتر اول مثنوی را به زبان آلمانی ترجمه کرد که گامی در شناخت مولانا در آلمان بوده است. پس از آن هومان‌آته<sup>۲</sup> (۱۸۴۴-۱۹۱۷) در کتاب تاریخ ادب فارسی خود مولانا را بزرگ‌ترین شاعر الهی جهان خواند، و هلموت ریتر<sup>۳</sup> (۱۸۹۲-۱۹۷۱) علاوه بر نوشتن مقاله‌هایی درباره آثار مولانا، کار ارزنده خود را درباره فریدالدین عطار منتشر کرد. این اثر با ترجمه عباس زریاب‌خویی با عنوان «درای جان» به فارسی درآمد است. از دیگر آثار هلموت ریتر می‌توان به تصحیح و نشر «سوانح» احمدغزالی اشاره کرد. در آلمان نیمه اول قرن نوزدهم، حضور حافظ در شعر یوهان ولفگانگ فن گوته (۱۷۴۹-۱۸۳۲) به دنیای غرب قدم می‌گذارد، دیوان غربی-شرقی<sup>۴</sup> گوته از تأثیر کلام حافظ چنان سرشار است که گویی حافظ دیگری در آن سرزمین زاده شده است. علاوه بر مطالعه در زمینه تصوف و عرفان، آثار شماری از پژوهندگان آلمانی یا آلمانی‌زبان که روی دین اسلام تمرکز یافته است، طبعاً برای پژوهش در تصوف و عرفان نیز به کار می‌آید.

در سال ۱۸۸۱ سرجمیزردهاوس<sup>۵</sup> ترجمه ارزنده‌ای از حکایات مثنوی به جامعه بریتانیا عرضه کرد. پس از او، ه‌وین فیلد<sup>۶</sup> مقالاتی در باره آثار مولانا نوشت و خلاصه‌ای از مثنوی را نیز در سال ۱۸۸۷ ترجمه و منتشر کرد. این‌ها مقدمه‌ای بود برای ده‌ها سال کار رینولدالن نیکلسن (۱۸۶۸-۱۹۴۵) در تصحیح متن هر شش دفتر مثنوی همراه با ترجمه انگلیسی و تعلیقاتی سودمند در هشت جلد، کاری که برای پژوهندگان ایرانی آثار مولانا نیز همواره محل استناد بوده است. علاوه بر پرداختن به این کار بزرگ، نیکلسن کتاب‌ها و مقالات بسیاری در این زمینه‌ها نوشته است. از آن جمله تصحیح و نشر «کتاب اللمع» ابونصر سراج، و ترجمه «کشف‌المحجوب» هجویری که هر دو از منابع کهن و بنیادی پژوهش در تصوف و

1. Rosen

2. Ethe

3. Ritter

4. Westostlicher Diwan

5. Redhouse

6. H. Winfield

عرفان است. «تذکره الاولیاء» عطار را نیز برای اولین بار منتشر ساخت. در این جا لازم است یادی شود از مؤسسه اوقاف گیب<sup>۱</sup>، خانواده با فرهنگی از مردم بریتانیا که در نشر ادب صوفیانه فارسی هم سهم بزرگی داشته‌اند. الیاس جان ویلکینسن گیب (۱۸۵۶-۱۹۰۱) دوستدار فرهنگ مشرق زمین بود و پس از درگذشت او، مادرش بخشی از دارایی خانواده را وقف مطالعه در فرهنگ شرق و نشر کتاب‌های فارسی و عربی و ترکی کرد. بنیادی که با میراث گیب در لیدن هلند پدید آمد، هنوز برپاست و شمار چشمگیری از آثار ادب و تاریخ و فرهنگ ایران را منتشر کرده است.

پس از نیکلسن، پژوهشگری که راه او را دنبال کرد یعنی آرتور آربری<sup>۲</sup> (۱۹۰۵-۱۹۶۹)، شماری از منابع تصوف اسلامی از جمله کتاب «التعرف» ابوبکر کلابادی را به انگلیسی ترجمه و کتاب «التوهم» منسوب به حارث بن اسد محاسبی را تصحیح و منتشر کرد. ترجمه چهارصد غزل از دیوان شمس مولانا در دو جلد که زیر نظر احسان یارشاطر انتشار یافت از دیگر کارهای آربری است. ادوارد گرنویل براون (۱۸۶۲-۱۹۲۶) در میان ایران‌شناسان بریتانیا اعتباری خاص دارد. کار مفصل او «تاریخ ادبی ایران» سرگذشت شماری از شاعران و نویسندگان آثار صوفیانه است. ایران‌شناسان فرانسوی دیگری نیز بوده‌اند که فرصت نشر و ترجمه آثارشان را نیافتند.

ترجمه «مناقب العارفين» شمس‌الدین افلاکی از کلمان هوار<sup>۳</sup> (۱۸۵۴-۱۹۲۶) و کارهای لویی ماسینیون (۱۸۸۳-۱۹۶۲) درباره حسین بن منصور حلاج و نشر کتاب «الطواسین» حلاج به کوشش او، مرجع پژوهندگان دیگر بوده است. پس از کلمان هوار و لویی ماسینیون، فریتس مایر<sup>۴</sup> (۱۹۱۲-۱۹۹۸) پژوهشگر سوئیسی آثاری در شناخت عطار و عزیزالدین نسفی پدید آورد و مقالات او درباره تصوف و سلوک درویشان موجود است. از فرزانه‌گانی که آثارشان به زبان فرانسه انتشار یافت، ماریژان موله<sup>۵</sup> را نباید فراموش کرد که اثری درباره سماع صوفیان با عنوان

1. E.J.W. Gibb Memorial

2. Arberry

3. Huart

4. Meier

5. Marijan Mole

رقص مقدس<sup>۱</sup> و تصحیح و نشر «کتاب الانسان الکامل» عزیزالدین نسفی را از او در دست داریم. این اثر نسفی از منابع بنیادی مطالعه در تصوف و عرفان ایران است که با اضافه شدن مقدمه هانری کربن (۱۹۰۳-۱۹۷۸) بر اعتبار آن افزوده شد.

هانری کربن از بزرگ‌ترین پژوهندگان تصوف و عرفان و حکمت ایرانی است که سالیانی از عمر او در ایران گذشت و همکاری نزدیکش با استادان ایرانی، و درک او از عرفان و الهیات مشرق زمین، او را به صاحب‌دلی از این دیار بدل کرده بود. از هانری کربن تصحیح دو جلد از مجموعه «مصنفات شهاب‌الدین یحیی سهروردی»، «عبر‌العاشقین» و «شرح شطحیات» هر دو از آثار روزبهان بقلی شیرازی در دست است که در *عبر‌العاشقین*، او از همکاری محمدمعین برخوردار بوده است.

دو قرن اخیر در روسیه، شماری از پژوهندگان به مطالعه زبان و ادب فارسی و تاریخ و فرهنگ ایران پرداخته‌اند. فرهنگستان اتحاد شوروی که در این زمینه‌ها فعالیت داشت، شماری از متون ادب فارسی را تصحیح و چاپ کرده بود؛ اما به دلیل سیاست‌های فرهنگی خاص آن حکومت، کسانی از پژوهندگان آشنا با مطالعات تصوف و عرفان، اروپای غربی را برای پژوهش و تدریس مساعدتر یافتند. والن‌تین ژوکوفسکی<sup>۲</sup> (۱۸۵۸-۱۹۱۸) یکی از این پژوهندگان روس، با وجود عضویت در فرهنگستان سن‌پترزبورگ و استادی دانشگاه سن‌پترزبورگ، و تصحیح و نشر دو کتاب «اسرار التوحید» محمدبن منور و «کشف‌المحجوب» هجویری در همان شهر، در غرب اروپا نیز مورد احترام محافل فرهنگی بود و از منابع و امکانات گسترده کتابخانه‌ها و مراکز دانشگاهی آن‌جا استفاده می‌کرد. پژوهنده دیگر ولادیمیر مینورسکی<sup>۳</sup> (۱۸۷۷-۱۹۶۶) سالیانی استاد مرکز زبان‌های شرقی دانشگاه پاریس، و بعد استاد همین رشته در دانشگاه کمبریج انگلیس بود. شرح او بر «قصیده‌ترسائیه» خاقانی شروانی، به زبان انگلیسی و به صورت مقاله‌ای مبسوط در مجله مدرسه شرق‌شناسی دانشگاه لندن انتشار یافته، از او مقالات بسیار دیگری در زمینه‌های گوناگون مطالعات ایران‌شناسی در «دایرة‌المعارف اسلام» و در نشریات پژوهشی غرب به چاپ رسیده که اعتبار علمی آن‌ها مورد تأیید

1. La Danse Sacree

2. Zhukovsky

3. Minorsky

صاحب نظران است. ناگفته نماند که در نیمه اول قرن بیستم، حضور چند تن از فرزندگان ایرانی در اروپا از جمله محمدقزوینی و سیدحسن تقی‌زاده، و امکان بهره‌مندی از دانش آن‌ها، یکی از دلایل توجه پژوهندگان روس از جمله مینورسکی به غرب بوده است. او در شرح‌قصیده‌ترسائه از راهنمایی و یاری تقی‌زاده و قزوینی سپاسگزاری کرده است. اما از پژوهندگان نامدار روس در حوزه تصوف و ادبیات تصوف، یوگنی ادوادیچ برتلس<sup>۱</sup> (۱۸۹۰-۱۹۵۷) است که در میهن خود به کار و پژوهش پرداخت. او مقالات موفق بسیاری در زمینه تصوف و عرفان نوشت که مجموعه‌ای از آن‌ها با عنوان تصوف و ادبیات تصوف به فارسی ترجمه شده است.

توجه به شرق در امریکا پس از جنگ جهانی دوم بیشتر شد و در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی همراه با مطالعه زبان‌ها و تاریخ و فرهنگ خاورمیانه، زبان و ادب فارسی نیز آموزش داده می‌شد. در زمینه تصوف و عرفان، آنه‌ماری شیمل<sup>۲</sup> (۱۹۲۲-۲۰۰۳) استاد دانشگاه هاروارد، کتابی به نام «ابعاد عرفانی اسلام»<sup>۳</sup> نوشت که هم برای ارجاع و هم برای تدریس ارزشمند است. از دیگر نگارش‌های او تحلیلی از زندگی و شخصیت و اندیشه مولانا جلال‌الدین<sup>۴</sup> با عنوان «شکوه شمس» است که به دست حسن لاهوتی به فارسی ترجمه شده است. فرانکلین دین لویس<sup>۵</sup> استاد جوان دانشگاه شیکاگو اثری جامع و مبسوط درباره مولانا عرضه کرده که در آن علاوه بر سرگذشت و شناساندن آثار مولانا، به شناختی که جهان معاصر و خاصه امریکا از مولانا دارد نیز پرداخته است. کتابی جامع که هم به نیاز پژوهندگان پاسخ می‌گوید و هم برای مشتاقان سخن و اندیشه مولانا اثری خواندنی و دلنشین است. این کتاب با عنوان «مولانا از دیروز تا امروز، از شرق تا غرب» باز به قلم حسن لاهوتی به فارسی ترجمه شده است. «مکتب صوفیانه رومی» پژوهشی از ویلیام چتیک<sup>۶</sup> و مقاله‌ها و کتاب‌های دیگر او درباره وحدت وجود و ابن عربی را نیز باید در شمار مطالعات تصوف و عرفان یاد کرد.

1. Bertels

2. Schimmel

3. Mystical Dimensions of Iran

4. The Triumphal Sun

5. Dean Lewis

6. Chittick

سرزمین هند نیز علاوه بر ریشه‌های مشترک فرهنگی، پیوند دیرینه‌ای با زبان و ادب فارسی و تصوف ایران داشته و قرن‌ها حکومت‌های مسلط بر ایران، به هند تاختند و خاطرات تلخ و شیرینی در آن سرزمین برجا گذاشتند؛ اما زبان فارسی، پیش از تأسیس حکومت بریتانیا در هند، زبان مشترک ولایات آن دیار بود و به دلیل علائق مشابه ذوقی و فکری، خاصه مسلمانان شبه قاره، شعر و ادب صوفیانه فارسی را خوش می‌داشته و می‌دارند. هنوز آرامگاه ابوالحسن علی بن عثمان هجویری، مؤلف کشف‌المحجوب، در لاهور وجود دارد. مردم به او «داتا گنج‌بخش» می‌گویند؛ و درگاه شریف نظام‌الدین اولیاء در دهلی‌نو، این دو زیارتگاه همه مذاهب، و در تصور پاک‌دلان و معتقدان برآورنده آرزوهاست.

با رواج چاپ سنگی در قرن هجدهم، شبه قاره هند یکی از نخستین مراکز چاپ و نشر کتاب‌های فارسی بود و بسیاری از آثار ادب صوفیانه فارسی، پیش از ایران در کلکته و بمبئی و لکنه‌ور و لاهور به چاپ می‌رسید. شمار کتاب‌های فارسی صوفیانه و غیرصوفیانه که در شبه قاره به چاپ رسیده، بسیار است و کوشش سالیان دراز دوستداران ایران در آن سرزمین ارزشمند، بی‌تردید بر کتاب‌هایی که در ایران و اروپا بار دیگر تصحیح و تعلیق شد و در چاپخانه‌های پیشرفته‌تر به چاپ رسید بیشتر می‌توان اعتماد کرد».<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب بالا، معرفی و ترجمه کتب و مقالات این پژوهشگران می‌تواند از جنبه‌های روش‌شناختی و... دریچه‌های نویی را به‌روی پژوهشگران عرفان و تصوف و به‌طور کلی رشته‌های علوم انسانی بگشاید. به‌سخن دیگر با وجود گنجینه‌های ارزشمند عرفان اسلامی، از پژوهش‌هایی که در دنیا در این زمینه انجام شده و می‌شود بی‌نیاز نخواهیم بود.

مجموعه پیش‌رو دربردارنده بیست مقاله با موضوع عرفان و عارفان مسلمان و طریقه‌های عرفانی است. بخشی از آن‌ها، ترجمه مقالاتی از مشاهیر مستشرقان در حوزه عرفان و تصوف است شامل پنج مقاله از حامدالگار، استاد مطالعات اسلامی و تشیع و عرفان اسلامی، یک مقاله از ویلیام جیتیک، فیلسوف،

۱. مطالب این قسمت، تلخیصی از مقدمه دوم بر کتاب «فرهنگ‌نامه تصوف و عرفان»، اثر محمداستعلامی است.

اسلام‌شناس و متخصص عرفان مولوی و ابن‌عربی، دو مقاله از گرهارد بُورینگ، اسلام‌شناس دانشگاه ییل، دو مقاله از ژوزف فان‌اس (۱۹۳۴-۲۰۲۱) اسلام‌شناس آلمانی، یک مقاله از راجر مروین سیوری (۱۹۲۵-۲۰۲۲) ایران‌شناس انگلیسی، یک مقاله از اریک فرانسیس آزرین (۱۹۲۲-۲۰۰۷) الهی‌دان و استاد استرالیایی، یک مقاله از شهزاد بشیر پاکستانی، استاد مطالعات اسلامی دانشگاه استنفورد و یک مقاله از نور احمد است. در ابتدای ترجمه‌ها پیش‌درآمد و توضیحات تکمیلی درون متن به صورت قلاب یا پرانتز و در پانویس و پی‌نوشت در بیشتر مقالات به‌همراه کتاب‌نامه در پایان هر مقاله توسط مترجم افزوده شده است. بخش دیگری از محتوای این مجموعه، شش مقاله پژوهشی از نگارنده است که در سال‌های گذشته برای دانشنامه اسلامی‌کای بریل، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام و همایش علمی، به‌رشته تحریر درآمده است. لازم به یادآوری است که مقاله «سید محمدنوربخش قهستانی»، پیش از انتشار کتاب‌های «رسایل نوربخشیه» و «آینه جمال؛ زندگی، آثار، افکار و میراث معنوی سید محمدنوربخش» نگارنده، نوشته شده است بنابراین در بخشی از منابع مقاله یادشده، به نسخه‌های خطی ارجاع داده شده است. سه مقاله «نوربخشیه»، «قاسم‌انوار» و «مقدمه بر تصحیح انتقادی رساله‌الهدی» با همکاری دوست فاضل و دانشمند، دکتر محمود رضا اسفندیار، ترجمه شده که به حق، دقت نظر و ژرف‌نگری ایشان در ترجمه و فهم متون، ستودنی است. در پایان، از مدیر محترم انتشارات مولی و همه دست‌اندرکاران که در به‌سامان آمدن این اثر تلاش کردند، سپاسگزاری می‌کنم.

هو الاول والاخر والظاهر والباطن

جمشید جلالی شیجانی

تهران، پاییز ۱۴۰۱



آرامگاه نجم‌الدین کبری در کهنه اورگنج ترکمنستان

## نجم‌الدین کبری<sup>۱</sup> حامد الگار

ابوعبدالله احمد بن عمر بن محمد بن عبدالله خیوقی (۵۴۰-۶۱۷) مشهور به نجم‌الدین کبری و ملقب به ابوالجَنّاب، طامه‌الکبری، شیخ‌ولی‌تراش و شیخ‌کبیر از مهم‌ترین عارفان قرن ششم و اوایل سده هفتم هجری در دوره مغول است. زادگاه او خَیَوَه (khairwah)، یکی از شهرهای خوارزم بود. او بعد از فراگیری مقدمات علوم در آن‌جا، سال‌های بسیار به مسافرت پرداخت و نزد استادان زیادی علوم رسمی و متداول به‌ویژه حدیث را فراگرفت و از مشایخ متعددی در طریقت بهره جست. از استادان مهم وی یکی شیخ اسماعیل قصری (م. ۵۸۹) است که نزد وی به ریاضت و

1. H. Algar, "KUBRA" *ET*<sup>2</sup>, Vol.5, Leiden, E.J.Brill, 1986.

سلوک پرداخت و از او اجازه ارشاد گرفت و به خوارزم بازگشت. مهم‌ترین شاگردان وی مجدالدین بغدادی، سعدالدین حمویه و نجم‌الدین رازی است. از آثار وی الاصول العشره، فوائج الجمال و فوائح الجلال و تفسیر قرآن با عنوان عین الحیات را می‌توان نام برد. طریقه کبرویه توسط مریدان نجم‌کبری در دورترین نقاط جهان منتشر شد.

طریقت نجم‌الدین، کسی که طریقه صوفیه کبرویه به نام او این اسم را یافته، یکی از طریقه‌های مهم عهد مغول در آسیای مرکزی و خراسان است که بسیاری از سلسله‌های صوفیه از آن منشعب شده‌اند. لقب کبری مخفف بیان قرآنی الطامه الکبری<sup>۱</sup> «ر خدا بزرگ» است، کنیه‌ای که نجم‌الدین به خاطر استعداد بسیارش در بحث و مناظره به دست آورد.

او در سال ۵۴۰ق./ ۱۱۴۵م. در خوارزم متولد شد و مسیر زندگیش را به عنوان عالم حدیث و کلام آغاز کرد. برای تربیت شاگردان بسیار مسافرت می‌کرد. علاقه‌اش به تصوف در مصر برانگیخته شد. او در آن‌جا مرید شیخ روزبهان الوزان مصری، نوآموز طریقه سهروردیه شد. پس از چند سال اقامت در مصر، به تبریز رفت تا مطالعات خود را در کلام دنبال کند، اما به جای این کار، تحت تأثیر شخصی به نام بابا فرج تبریزی قرار گرفت، کسی که به طور قطع او را ترغیب کرد تا علاقه‌اش به علوم دینی ظاهری را رها کرده و خودش را به طور کامل وقف طریقه صوفیه کند. سپس پیش از آن که به مصر نزد شیخ روزبهان برگردد، زمانی را در مصاحبت دو مرشد دیگر، عمار بن یاسر بدلیسی و اسماعیل قصری گذراند و از هر دو، خرقة تبرک دریافت کرد. تا آن زمان، روزبهان به کبری به عنوان یک مرید کامل می‌نگریست، بنابراین در حدود ۵۴۰/۱۱۴۵ او را با اقتدار تمام به خوارزم فرستاد تا به تربیت و آشنا کردن مریدان با تصوف بپردازد. کبری به سرعت مریدان زیادی را گرد آورد تا در طریقه کبرویه به عنوان عارف و نویسنده به متون تصوف بپردازند. او بارها با عنوان شیخ ولی تراش<sup>۲</sup> نامیده می‌شد. از جمله بهترین مریدانش مجدالدین بغدادی (متوفی ۱۲۱۹/۶۱۶)،

۱. اشاره به آیه ۳۴ سوره نازعات «فاذا جاءت الطامه الکبری».

نجم‌الدین دایه‌رازی (متوفی ۱۲۵۶/۶۵۴)؛ نویسنده کتاب مشهور مرصادالعباد تصحیح امین‌ریاحی، تهران ۱۹۷۲/۱۳۵۲؛ برگردان به انگلیسی توسط حامدالگار با عنوان (The path of God's bondsmen from origin to return)؛ سعدالدین حمویه (متوفی ۱۲۵۲/۶۵۰)، بابا کمال جندی، سیف‌الدین باخرزی (متوفی ۱۲۶۰/۶۵۸)<sup>۱</sup>؛ و رضی‌الدین علی‌لای (متوفی ۱۲۴۴/۶۴۲) کبری در حین حمله مغول به خوارزم در سال ۱۲۲۰/۶۱۷ درگذشت. بر طبق گزارشات سنتی، او درخواست مغولان را مبنی بر ترک شهر پیش از اقدام به کشتار ساکنان آن‌جا نپذیرفت و پیشگام دسته پیروانش در حالی که پیکار تن به تن می‌کرد، کشته شد. مشهور است که او در محل خانقاهش در بیرون شهر به خاک سپرده شد و مقبره‌اش در جایی که بعدها کهنه‌اورگنج (Kohne-Urgenj) نام گرفت واقع شده است. این شهر مرکز دیدار عالمان گردید و تا زمان حکومت اتحاد جماهیر شوروی این موقعیت را حفظ کرد.<sup>۲</sup>

از کبری تعداد اندکی کتاب برجای مانده که بیشتر به تجزیه و تحلیل تجربه شهودی می‌پردازد. به عنوان نمونه او در این آثار در مورد معانی مختلف خیال و شهود، بحث کرده است؛ مراتب شهود که بر عارف متجلی می‌شود؛ درجات مختلف تصور و خواطر که توجهش را جلب می‌کند؛ طبیعت و ارتباط لطائف<sup>۳</sup> انسان مهم‌ترین رسائل کبری فوائج‌الجمال وفواتح‌الجلال<sup>۴</sup>، الاصول العشره

۱. نک به: سعید نفیسی، در مجله دانشکده ادبیات، ۴/۲ [تیر ۱۳۳۴/اکتبر ۱۹۵۵]، ۱۵-۱، و ایرج افشار، سرگذشت سیف‌الدین باخرزی، تهران ۱۹۶۲/۱۳۴۱.

۲. نام شهری باستانی در استان «داش‌اغوز» در شمال شرقی کشور ترکمنستان است. مدفن امام فخررازی و پوریای ولی نیز در همین منطقه واقع است.

۳. نک: G.P. Snasarev, Relikti domusul'manskikh verovanii I obryadov u Uzbekov: khorezma, Moscow 1969, 269, 433.

۴. در اصطلاح عرفا دل را گویند که به حقیقت، روح است. نک به: سجادى، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، ص ۶۸۷؛ «بدان که آن لطیفه‌ای که قلب است از آن‌رو که لطیفه است از حالی به حالی دگرگون می‌شود». کبری، نجم‌الدین، فوائج‌الجمال و فواتح‌الجلال، تحقیق دکتر یوسف زیدان، ص ۱۳۲.

۵. تصحیح با یک مقدمه جامع در مورد زندگی و آثار کبری توسط فریتس مایر، ویسبادن،

<sup>۱</sup> و رساله الخائف الهائم من لومه الاثم است. علاوه بر این رسائل کوتاهی در باب طریقت دارد. کبری تفسیری عرفانی بر قرآن را آغاز نمود که نتوانست آن را کامل کند اما این کار بعد از مرگش ابتدا توسط مریدش نجم‌الدین رازی و سپس توسط یکی دیگر از مشایخ کبرویه یعنی علاءالدوله سمنانی ادامه یافت.<sup>۲</sup>

طریقه کبرویه به واسطه چند تن از مریدان کبری استمرار یافت. سیف‌الدین باخرزی خانقاه موقوفه‌ای را در بخارا دایر کرد. اسناد وقف مربوط به این خانقاه به وسیله سی.دی. چخوویچ<sup>۳</sup>، منتشر شده است. در همین خانقاه بود که پرکه خان<sup>۴</sup>، پانزدهمین فرمانروای اردوی زرین به دین اسلام مشرف شد.<sup>۵</sup>

بدرالدین سمرقندی، یکی از مریدان باخرزی، به هند مسافرت کرد و در آن جا شاخه‌ای از کبرویه را که به فردوسی معروف شد دایر کرد. مهم‌ترین فرد از این شاخه، احمدیحیی منیری<sup>۶</sup> (متوفی ۱۳۷۱/۷۷۲)، نویسنده کتاب پرخواننده مکتوبات است.<sup>۷</sup> سعدالدین حمویه خانقاهی در بحرآباد خراسان دایر کرد که سرپرستی آن را پسرش صدرالدین ابراهیم به عهده گرفت، او در سال ۱۲۹۵/۶۹۴ باعث شد غازان خان فرمانروای ایلخانی ایران، به دین اسلام درآید.<sup>۸</sup> مرید دیگر سعدالدین حمویه، عزیزالدین نسفی (متوفی ۱۲۶۳/۶۶۱)، نویسنده چندین رساله

۱. ۱۹۵۷. این کتاب توسط قاسم انصاری با عنوان «نسیم جمال و دیباچه جلال» همراه با ترجمه و توضیحات توسط انتشارات طهوری منتشر شده است.

۱. این کتاب توسط انتشارات مولی به چاپ رسیده است.

۲. نک به: — هانری کربن، 90: 175-276n. iii, 1972, En Islam iranien, Paris  
Suleyman Ates, ISari tefsir. okulu, Ankara 1974. 139-60

3. Bukharskie dokumenti XIV v., Tashkent 1965

۴. امیرزاده مغول و نوه چنگیزخان و سومین پسر جوچی. نک به: دبلیو. بارتولد؛ جی.ا. بویل، "Berke" vol.1, EI2, p.1187-1188

5. J.Richard, la conversion de Berke et les debuts de l'islamisation de la Horde d'or, in REI, xxxv[1967] 173-9.

۶. در مورد وی و فردوسی نک به: رضوی، اطهر عباس، تاریخ تصوف در هند، ج ۱، ص ۲۹۱-۲۷۴.  
۷. منتشر شده در لکنهو ۱۹۱۱.

۸. نک به: رشیدالدین فضل‌الله، تاریخ مبارک غازانی، تصحیح کی.جن، لندن ۱۹۴۰، ۷۶۸۰.

مهم است.<sup>۱</sup>

شاخه بسیار پردوام و فعال نویی که از نجم‌الدین کبری به وجود آمد به احتمال به وسیله رضی‌الدین علی‌الا و دو واسطه بعدی این سلسله<sup>۲</sup> به علاءالدوله سمنانی می‌رسد. سمنانی بیشتر به بسط و تجزیه و تحلیل لطایف پرداخت. او نظریه وحدت وجود ابن عربی را مورد انتقاد قرار داد. این نظریه تأثیر بسیاری بر حلقه نقشبندیان هند گذاشت.<sup>۳</sup> علی‌همدانی، مرید پی‌درپی دو تن از پیروان سمنانی یعنی تقی‌الدین اخی و محمود مزدقانی، طریقه کبرویه را به بدخشان و کشمیر معرفی کرد. او در سال ۱۳۸۵/۷۸۶ از دنیا رفت و طبق نقل‌های متفاوت، در ختلان<sup>۴</sup> (Khuttalan) در این زمان کولاب<sup>۵</sup>، یا سرینگر مدفون شد.<sup>۶</sup> او خودش را به عنوان «علی‌ثانی» (second 'Ali) معرفی کرد، و با وجود این که شاخه طریقه کبرویه‌ای که به واسطه او به کشمیر معرفی شد تا زمان حاضر اهل سنت خالص باقی‌مانده است، عجیب نیست که اعقاب مختلف همدانی، تشیع را پذیرفتند. اسحاق ختلانی، جانشین علی‌همدانی، توسط مأموران شاه‌رخ، فرمانروای تیموری، حدود سال ۱۴۲۳/۸۲۶ به قتل رسید، اما پیش از مرگ، محمدنوربخش را به عنوان جانشین خود منصوب کرد. بیشتر مریدان ختلانی، نوربخش را تأیید نمودند اما در

۱. تصحیح ماریان موله با عنوان کتاب الانسان الکامل، تهران و پاریس ۱۹۶۲.

۲. منظور شیخ‌نورالدین عبدالرحمن اسفراینی (۶۳۹-۷۳۶) و شیخ جمال‌الدین احمد جوزقانی (متوفی ۶۶۹) است. نک: به: سمنانی، علاءالدوله، «تذکره المشایخ»، مندرج در مصنفات فارسی، ص ۳۱۵.

۳. نک: مقدمه هرمان لندلت بر مکتوبات عبدالرحمن اسفراینی و علاءالدوله سمنانی، تهران و پاریس ۱۹۷۲، با یک کتاب‌شناسی مفصل از آثار سمنانی.

۴. به فتح خاء و سکون تاء، ولایتی است از توران و به قولی از بلاد طخارستان، مردمش اغلب حنفی مذهب و ترک و دیگر تاجیک و قلیلی، مذهب امامیه دارند. مزار فیض‌مدار، سیدعلی همدانی همان جاست. نک: به: شیروانی، حاج زین‌العابدین، بستان‌السیاحه، پیش‌گفتار و تصحیح منیژه محمودی، تهران، حقیقت، ۱۳۸۹، جلد ۱، ص ۶۹۳.

۵. از قدیمی‌ترین شهرهای واقع در جنوب تاجیکستان که پیشینه آن به ۲۷۰۰ سال می‌رسد.  
6. J.K. Teufel, Eine Lebens- beschreibung des Scheichs 'Ali-I Hamadani, Leiden 1962; Sayyida Ashraf zafar, Amir-I Kabir Sayyid 'Ali Hamadani, Lahore 1972).

عوض، تعداد اندکی با عبدالله برزش آبادی بیعت کردند. این انشقاق، باعث شد تا دو انشعاب مستقل از کبرویه، هر یک با نام خودش، ظهور کند، اما هر دو به طور مشترک، تشیع را برگزیدند. اولی یعنی نوربخشیه تا زمان صفویه در ایران باقی بود؛ دومی در زمان و به طرزی نامعلوم، نام ذهبیه به خود گرفت، و تا دوران حاضر در ایران باقی مانده است. مرکز عمده آن‌ها شیراز است.<sup>۱</sup>

تاریخ اخیر کبرویه در موطنش آسیای مرکزی، ناشناخته است. این احتمال وجود دارد که از اوایل قرن نهم/پانزدهم به بعد این طریقه تقریباً به طور همگانی، حتی در خوارزم، جای خود را به نقشبندیه داده باشد. اما شهر کوچک ساکتاری (Saktari) در نزدیک بخارا، دست کم تا اوایل قرن یازدهم/هفدهم، به عنوان مرکز فعال کبرویه باقی ماند.<sup>۲</sup> در بعضی نقاط، کبرویه از آسیای مرکزی به جانب شرق، در میان مسلمانان نواحی چین گسترش یافت.<sup>۳</sup>

در پایان باید گفت نشانه‌هایی از کبرویه در ترکیه وجود دارد، گزارش شده که یک شیخ کبروی به نام مصطفی دده در صفوف ارتشی که استانبول را فتح کرد، می‌جنگید.<sup>۴</sup> اما به نظر نمی‌رسد که هیچ میراث ماندگار و پایداری از این طریقه در ترکیه یا سرزمین‌های عربی بجا مانده باشد. تنها به وجود اسمی از طریقه کبرویه در مناطق غربی جهان اسلام تأکید شد آن هم به مثابه یکی از چند شاخه ثانوی که توسط شاخه مجدّیه خالدیه نقشبندیه ادعا گردید.

کتاب‌نامه: علاوه بر منابع متن مقاله: مقدمه مایر بر تصحیح فواتح‌الجمال که شامل لیست کاملی

۱. مقایسه کنید با: R.Gramlich, Die schiitischen Derwischorden Persiens, in: AFKM, xxvi/1[1965], 14-26.

۲. برای آثاری که از شیخ ساکتاری وجود دارد نک به: A.A. Semenov, Sobranie vostocnikh rukopisei Akademii Nauk Uzbekskoi SSR, Tashkent 1955, iii, 327-8

۳. مقایسه کنید با: محمد تواضع، الاسلام و الصين، قاهره ۱۳۶۴/۱۱۲، ۱۹۴۵. در مورد کبرویه در چین نک به: امیدوارنیا، محمدجواد، «طریقت کبرویه در چین»، مجموعه مقالات همایش بین المللی بزرگداشت شیخ نجم‌الدین کبری، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۰، ص ۴۰-۵۶.

۴. ابوانساری، حدیقه الجوامع، استانبول ۱۲۸۱/۱۸۶۱، هه، ۲۶۱.

از تمام منابع در مورد زندگی و آثار نجم‌کبری است. همچنین نکه: کمال‌الدین الحریری، تبیان وسائل الحقائق و سلاسل الطريق، نسخه خطی، ابراهیم افندی (سلیمانیه) ۴۳۰، صفحات 79b- 84a؛ Mole, Les Kubrawiya entre Sunnisme et Shi'sme aux huitieme et neuvieme siecles de l' Hegire, in REL, xxix (1961) ۱۴۲۶۱ (نخستین تحقیق در این زمینه، هرچند بنا به اقوال، به عناصر مهم شیعی در شکل‌گیری کبرویه نخستین، بسیار تاکید می‌کند؛ مقایسه کنید با. *Some observation on religion in Safavid Persia, in Iranian Studies, vii/1-2 [winter-spring 1974], 287-90*; Ye. E. Bertel's, *Cetverostishiya Sheikha Nadzm ad-Dina Kubra, in Sufism I sufiiskaya literatura, Moacow 1965, 324-8*; Corbin, *L'Homme de lumiere dans le soufisme iranien, Paris 1971, 95-148*; J. S. Trimingham, *The Sufi orders in Islam, Oxford, 1971, 55-8*.